

## نگاهی به سرگذشت و زندگانی مؤلف سفینه خوشگو

اثر: دکتر غلامرضا ستوده

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

و سید کلیم اصغر

(از ص ۸۳ تا ۹۴)

### چکیده:

در این مقاله، درباره احوال و اشعار بندرآین داس «خوشگو» مؤلف تذکره سفینه خوشگو سخن رفته است. بندرآین داس خوشگو شاعر و تذکره‌نویس معروف (هندومذهب) در قرن دوازدهم زندگی می‌کرد. وی از قوم بیس بود. تذکره‌نویسان نوشته‌اند که خوشگو از دوستان میرزا عبدالقادر بیدل، میرزا مظفر، آبرو، آرزو، سبقت، بیغم، سرخوش و سعدالله گلشن بود.

بندرآین داس خوشگو تذکره‌ای به نام سفینه خوشگو ۱۱۴۷ ق. / ۱۷۳۴ م. تألیف کرده که مشتمل بر سه دفتر بوده است:

۱- دفتر اول: دفتر اول تذکره سفینه خوشگو هنوز تصحیح نشده و به چاپ نرسیده است.

۲- دفتر دوم: دفتر دوم تذکره سفینه خوشگو که طولانی‌ترین و مهم‌ترین دفتر است و ترتیب و تصحیح آن موضوع این پایان‌نامه است که به راهنمایی جناب آقای دکتر غلامرضا ستوده به اتمام رسیده.

۳- دفتر سوم: دفتر سوم تذکره سفینه خوشگو به کوشش سید شاه عطاءالرحمان عطااکاوری تصحیح شده و در پتته (هند) به چاپ رسیده است.

واژه‌های کلیدی: شبه‌قاره، تذکره، ترویج، توسعه، متهر، بنارس، عظیم‌آباد، مرقع.

#### مقدمه:

هند این سرزمین راز و رمیزها جایگاه شگفت‌انگیزی است که با آثار ادب فارسی نیز بازیها کرده است. می‌گویند در هند درختی هست که هر کس از میوه آن بخورد نه پیر می‌شود و نه می‌میرد. سرچشمه بسیاری از امثال و سخنان حکمت‌آمیز هند است. دروازه‌های همیشه باز این سرزمین به روی کاروان قند پارسی هر زمان قافله‌ای پر بار از کالای پر حلاوت سخن را پذیرفته و به تعبیر حافظ طوطیان نیز شکرشکن شده‌اند. زمانی دیوان عرفی ر بوده می‌شود و پس از سالیانی دراز از بندر سورت سر درمی‌آورد و اینک سفینه‌ای می‌بینیم که نام با مسمائی است کتاب عظیمی که سالها در گوشه پستویی پنهان بوده و ناگاه سیلی درمی‌رسد و اثاث البیت را به تاراج می‌برد و آن کتاب را بر سر موج در رهگذر تماشاگران قرار می‌دهد و تهدست مردی به تصور متاعی ارزنده آن را از آب می‌گیرد و به خانه می‌برد ولی تنها بهره‌ای که به او می‌رسد این است که اهل بیتش گاهی که به کاغذ زیاله احتیاج پیدا می‌کردند از آن استفاده کنند. ولی همان بازی‌های بیضه شکن تنم کتاب را به دست صاحب ذوقی می‌رساند و چنین است که نامی از سفینه خوشگو باقی می‌ماند.

ادب فارسی از این سرزمین پر راز و رمز ارمغانهای بسیار دارد. چه طاووس‌های رنگینی که از دیار هند آمده و بر صفحه صفحه شعر فارسی جلوه‌گری می‌کنند و چه شگفت‌انگیز حقایقی که در پیکر فیل تجسم یافته و در قلمرو زبان فارسی به تماشا گذاشته شده است. هر رؤیای شیرین خطه هندوستان را به خاطر می‌آورد.

سوغات هند از دیگر سوغاتها جداست. مرگ که نشأتی از نشأت حیات آدمی است از آنجا پیام می‌آورد. و زندگی در نمایش مرگ جلوه‌گر می‌شود. و طوطی بازرگان با دریافت ره آورد سفر از قفس رها می‌گردد.

نه آقای دکتر سید کلیم اصغر که تصحیح این کتاب را به عنوان رساله دکتری برگزیده تصور می‌کرد و نه من که راهنمایی آن را تقبل کردم چنین فکر می‌کردم که

تصحیح متن آن تا این حد دشوار و وقت گیر باشد. بیخود نبود کسی تاکنون با آن که کتاب مورد نظر تذکره‌ای در خور اهمیت بوده به سراغ آن نرفته و قدمی برای تصحیح و چاپ آن برداشته نشده است. به هر حال بعد از رساله دکتری آقای دکتر ولی الحق انصاری - کلیات عرفی - این دومین خدمت من در سرزمین پهناور شبه قاره هندوستان است و خوشحالم که آقای سید کلیم اصغر کوشش بسیار نموده و به خوبی از عهده برآمده و امید است به تصحیح دیگر دفترهای موجود سفینه نیز توفیق یابد.

این تذکره یکی از زنده‌ترین مجموعه‌های ابیات برگزیده فارسی است. به طوری که خواننده آن هر ذوق و سلیقه‌ای که داشته باشد، بیت یا ابیاتی کاملاً مطابق میل خود در آن خواهد یافت و از آن محظوظ خواهد شد. خوانندگان با مطالعه متن نسبتاً مفصل آن به نکاتی که آقای سید کلیم اصغر در مقدمه سفینه اشاره کرده‌اند بیشتر پی خواهند برد مخصوصاً مطالعه‌کنندگان سبک هندی نمونه‌های بسیار از ویژگی‌های این سبک در آشعاری که نقل شده است به عنوان شاهد خواهند یافت. و ملاحظه خواهند کرد چگونه شاعران این خطه با آوردن ترکیب‌ها و تعبیرات بدیع و دل‌انگیز بر غنای زبان فارسی افزوده‌اند.

#### نگاهی به سرگذشت و زندگانی مؤلف سفینه خوشگو بنداربن داس خوشگو

شکی نیست که مسلمانان شبه قاره در طول هزار سال گذشته پاسدار زبان و ادب فارسی بوده و همیشه برای ترویج و اشاعه آن کوشیده‌اند و فارسی در طول این زمان به عنوان زبان فرهنگی آنها شناخته شده است. خدمات مسلمانان شبه قاره به زبان و ادب فارسی به جای خود، حتی هندوان شبه قاره نیز در کنار مسلمانان در ترویج و توسعه زبان و ادب فارسی در این منطقه بزرگ سهیم بوده‌اند و به هیچ وجه خدمتشان را نمی‌توان نادیده گرفت هندوان به خاطر این که فارسی در طول این

زمان زبان رسمی سراسر شبه قاره بوده، نمی توانستند از فارسی کناره گیری کنند و نیز اینکه این زبان شیرین و دلنشین نیز در ذهن و قلب آنان ریشه دوانیده بود. در میان هندوان شاعران بزرگی داریم که به زبان فارسی شعر سروده اند و نیز در تاریخ نویسی و تذکره نویسی سهم بسزایی داشته اند.

در میان آنها یکی بندرآین داس خوشگو است. در اغلب تذکره هایی که از قرن ۱۲ به بعد تألیف شده از خوشگو سخن رفته است. اما هیچکس درباره زندگانی وی اطلاعات اساسی به دست نمی دهند و این مشکلی است که در مورد اشخاص بزرگ پیش می آید و مؤلف سفینه خوشگو که به معرفی بیش از هزار شاعر پرداخته و درباره احوال و آثار آنها صحبت کرده و با آوردن نمونه کلام آنها به ارزیابی آثار آنها دست زده، درباره زندگانی خودش هیچ سخنی به میان نیاورده است. تذکره نویس ها اسم اصلی او را بندرآین داس نوشته اند (بانکی پور، ۸۳/۸؛ تاریخ تذکره های فارسی، ۷۱۳/۱؛ تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، ۲۳۱؛ روز روشن، ۲۴۹؛ سفینه هندی، ۶۲؛ صفحه ابراهیم، ۵۶؛ فرهنگ سخنوران، ۳۲۱/۱؛ مجمع النفاث، ۴۵؛ حدیقه هندی، ۸۶ ب) و تخلص او را «خوشگو» ذکر کرده اند (بانکی پور، ۸۳/۸؛ باغ معانی، ۵۹؛ تاریخ تذکره های فارسی، ۷۱۳/۱؛ تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، ۲۳۹؛ صفحه ابراهیم، ۵۶؛ گل رعنا، ۶۳؛ مجمع النفاث، ۴۵؛ مقالات الشعرا، ۴۷؛ نقد خیال، ۲۶۸؛ حدیقه هندی، ۸۶ ب). برخی او را از «متهرا» (*Mathura*) دانسته اند (سفینه خوشگو، دفتر نالت) (i)؛ گل رعنا، ۶۳) و بعضی او را از بنارس (*Banaras*) یا «عظیم آباد» (*Azeemabad*) می دانند (باغ معانی، ۶۰؛ بانکی پور، ۸۳/۸؛ سفینه هندی، ۶۷؛ مقالات الشعرا، ۲۷) و برخی می گویند که از قوم بیس بوده است (باغ معانی، ۵۹؛ بانکی پور، ۱۱۴/۸؛ سفینه هندی، ۶۷؛ مخزن الغرائب، ۲۷؛ مجمع النفاث، ۴۵؛ حدیقه هندی، ۸۶ ب).

درباره تاریخ یا سال تولد وی هیچ جا سخن نرفته است، اما برخی او را همعصر فرخسیر یا محمدشاه (پادشاه گورکانی هند) نوشته اند و نیز به گفته بعضی ها او معاصر سلطان شاه بوده است (الذریعه، ۳۲؛ سفینه خوشگو (دفتر نالت) (i) و نیز به عقیده

برخی پدرش در ارتش عالمگیر (۱۱۱۸ - ۱۰۶۸ هـ) خدماتی انجام داد؛ و نیز اینکه عمویش «سدانند» در حرم اعظم شاه (پسر اورنگزیب عالمگیر) مستخدم بود (سفینه خوشگو (دفتر ثالث) (i). درباره شغل او نیز اطلاعاتی در دست نیست، و تذکره‌نویس‌ها دچار ابهام شده‌اند و به گفته بعضی‌ها او در اوایل زندگی مشغول کار بود، اما سپس زندگی گدایانه‌ای را اختیار کرد و در لباس فقرا می‌زیست (صحف ابراهیم، ۵۶؛ گل رعنا، ۶۵؛ مجمع‌النفائس، ۴۵). او خودش را نیز به نام «فقیر» یاد می‌کند. بندرآین داس خوشگو سفینه خوشگو را به نام عمدة‌الملک نواب امیر خان تقدیم کرده است (سفینه خوشگو (دفتر ثالث) (ii)؛ سفینه هندی، ۶۷؛ صحف ابراهیم، ۵۶؛ مخزن‌الغرائب، ۱۲۷؛ مجمع‌النفائس، ۴۶).

و نیز اینکه امیرخان به بندرآین داس روزی دو روپیه (واحد پول هندوستان) می‌پرداخته است (باغ معانی، ۶۰؛ حدیقه هندی، ۸۶؛ سفینه هندی، ۶۷؛ مخزن‌الغرائب، ۱۲۷؛ مجمع‌النفائس، ۴۲). درباره سال درگذشت او بی‌یقین نمی‌توان گفت. برخی ۱۱۲۶ هـ ق. را سال درگذشت وی دانسته‌اند و به گفته بعضی‌ها او در دهه هفتم قرن دوازدهم (در حدود ۱۱۷۰ هـ ق.) در شهرستان عظیم‌آباد ایالت بیهار به جهان باقی شتافت (حدیقه هندی، ۸۶؛ ریو، ۱/ ۶۹؛ صحف ابراهیم، ۵۶؛ گل رعنا، ۶۵).

#### خوشگو به عنوان یک شاعر سبک هندی:

تذکره‌نویس‌ها بر این باورند که بندرآین داس خود شاعر بود (سفینه خوشگو (دفتر ثالث) (i)؛ سفینه هندی، ۶۷؛ باغ معانی، ۵۶؛ حدیقه هندی، ۸۶؛ روز روشن، ۲۴۱؛ مجمع‌النفائس، ۴۵) و تخلص «خوشگو» را از استاد خود محمدافضل سرخوش گرفته بود.

امروز دیوان او در دست نیست، اما بیشتر سخن‌سنجان و منتقدان درباره شعر وی نظر خوبی داده‌اند (سفینه هندی، ۶۷؛ مجمع‌النفائس، ۴۵؛ باغ معانی، ۵۹؛ حدیقه هندی، ۸۶؛ روز روشن، ۲۴۹) و نمونه‌هایی از کلام او نیز آورده‌اند (گل رعنا، ۷۴ - ۶۶؛ مخزن‌الغرائب، ۱۲۷؛ باغ معانی، ۶۰؛ مقالات‌الشعرا، ۴۲۷؛ حدیقه هندی، ۸۶؛ روز روشن، ۲۴۹) و به گفته بعضی‌ها او اشعار

خود را به نام «مرقعہ» جمع آوری کرد که برخی از آنها در دست نیست. تقریباً همه تذکره‌نویس‌ها آورده‌اند که خوشگو از دوستان میرزا عبدالقادر بیدل، میرزا مظهر، آبرو، آرزو، سبقت، بیغم، سرخوش و سعدالله گلشن بود (سفینه خوشگو (دفتر ثالث) (۱)؛ مجمع‌الفنای، ۴۵؛ مقالات الشعراء، ۴۷؛ صحف ابراهیم، ۵۶؛ سفینه هندی، ۶۷؛ حدیقه هندی، ۸۶ ب) و نیز اینکه او در حدود بیست و پنج سال با سراج‌الدین علیخان آرزو صحبت داشت (سفینه هندی، ۶۷؛ مجمع‌الفنای، ۴۵؛ باغ معانی، ۶۰). و خود آرزو نیز این امر را تأیید کرده است. برای آشنایی بیشتر با خوشگو به عنوان یک شاعر سبک هندی نمونه‌هایی از ابیاتش را نقل می‌کنیم:

نگه در توتیا غلطیده میخیزد ز مژگانش  
 سخن پان خورده می‌آید برون از رنگ آن لب‌ها  
 اگر معراج بخل ممسکان دهر ما اینست  
 خداوندا غریق بحر رحمت ساز قارون را  
 از بیم بدان تا رخ خوب تو ببینم  
 آئینه به کف پشت به سوی تو نشینم  
 تاپوت مرا از تو گل فاتحه‌ای نیست  
 این رسم کهن حیف که در عهد تو افتاد  
 دماغ گوشه دستار من دارد ز کام از گل  
 به فرقم سایه تحاری از آن دیوار می‌باید  
 برای یار تنظیم رقیبان هم ضرور افتد  
 به شوق بت نخستین سجده در پیش برهن کن  
 (روز روشن، ص، ۲۴۹)

شیشه‌یی چند از گلاب اشک دارم در بغل  
 می‌برم تا شستشوی تربت مجنون کنم

می‌کشد عاشقانه ناز تو را

گرچه نازک بود مزاج سخن

(تاریخ تذکره‌های فارسی، ۱/ ۷۲۲)

قامت خم گشته آفت‌گاه دیگر بوده است

بر سر ما عاقبت می‌افتد این دیوار ما

روز و شب می‌روم اما همان سرگشته‌ام

نقش پای خود بود رهبر طلب‌گار مرا

چو زنجی کته به گردد از قطع عضو

به عشق تو شد درد و درمان ما

چند معمار دل ویران من خواهی شدن

این سرای نامبارک قابل تعمیر نیست

دهلی خوش است لیک زیار این چنین خوش است

یار این چنین خوش است و زیار این چنین خوش است

رفتم به کجا به باغ کی فصل بهار

دل‌تنگ چه سان چو غنچه چون بی‌ذلدار

دیدم چه شکسته گلی از چه زبو

گل بد، نه، چه بود نامه‌ای از کة زیار

آواز تیشه امشب از بیستون نیامد

شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد<sup>(۱)</sup>

(گل رعنا، ص ۷۳ - ۶۵)

<sup>۱</sup> بندز ابن داس در تذکره سفینه خوشگو دفتر دوم در ضمن احوال حضرت میرزا

عبدالقادر چند بیت در وصف بیدل می‌نویسد:

بایدم شستن لب از مشک و گلاب      تا بگویم نام آن قدسی جناب

سامعه را وقت گل چینی رسید      ناطقه را صبح حق‌بینی دمید

میرزا بیدل که کدخدای سخن است پیغمبر غوث و پیشوای سخن است  
یکتاست در آفریدن طرز کلام بالله که بی سخن خدای سخن است

#### آثار خوشگو:

آثار مؤلف بدین قرار است:

- ۱- سفینه خوشگو: تذکره مهم شعرای فارسی است که در سال ۱۱۴۷ ق. / ۱۷۳۴ م. تألیف شده.
- ۲- مرقع: خوشگو مرقعی ترتیب داده و در آن نمونه اشعار و برخی آثار شعرای معاصر را به خط خودشان جمع آوری نموده بود، اما حیف که امروز اثری از آن مرقع به جا نمانده است.
- ۳- ملفوظات بیدل: خوشگو در ذیل شرح بیدل می نویسد که وی ملفوظات بیدل را ترتیب داده بود چون هزاران بار در خدمت وی حضور داشته اما متأسفانه امروز از این کتاب هیچ نسخه‌ای باقی نمانده است.

#### سفینه خوشگو (دفتر اول، دوم، سوم):

- سفینه خوشگو تألیف بندر ابن داس، متخلص به خوشگو، تذکره مهم شعرای فارسی زبان در سده دوازدهم، سه دفتر دارد که ما در ذیل به معرفی آنها می پردازیم.
- ۱- دفتر اول: دفتر اول سفینه خوشگو شرح حال ۳۶۲ شاعر را در بر دارد و هنوز تصحیح نشده و به چاپ نرسیده است.
  - ۲- دفتر دوم: دفتر دوم تذکره سفینه خوشگو که طولانی ترین و مهمترین دفتر است و تصحیح و ترتیب آن موضوع این پایان نامه است و ما به معرفی آن خواهیم پرداخت.
  - ۳- دفتر سوم: دفتر سوم سفینه خوشگو به کوشش سیدشاه عطاءالرحمان عطا کاکوی تصحیح شده و در پتنه (هند) به چاپ رسیده است.



### معرفی دفتر دوم:

تذکره‌ای است طولانی که به دست پندراپن داس در قرن دوازدهم هجری به رشته تحریر درآمده است. این تذکره فوق‌العاده با داشتن اهمیت خاص بنا بر اشکالاتی تاکنون تصحیح نشده بود و متأسفانه سایر مورخین و منتقدین که حتی تنها به معرفی ساده دفتر دوم این تذکره پرداختند دچار اشتباهات بزرگی شدند و چنین به نظر می‌رسد که هیچ کدام از محققین محترم دست به دفتر دوم نزده و مطالب را از یکدیگر نقل کرده و در نتیجه آن نه فقط خودشان دچار مشکل شده‌اند بلکه خوانندگان را نیز به نوعی گمراه کرده‌اند.

### نسخه‌های خطی دفتر دوم سفینه خوشگو:

- ۱ - اسپرنگر، ۳۲۰؛ برلین ۳ - ۶۵۲ (دفتر دوم ناقص).
- ۲ - بادلین، ۳۷۶ (دفتر دوم، ۷۷۵ شاعر).
- ۳ - بانکی پور، ج ۱، ص ۱۷۸۶ (دفتر دوم ناقص از جامی تا سروری).
- ۴ - ملک تهران، ۴۳۰۵ (قسمتی مختصر است در حدود ۲۵۰ شاعر دفتر دوم).
- ۵ - مجلسن، ۴۰۳ (دفتر دوم، ۱۲۷۸ هـ).
- ۶ - سپهسالار، ش ۴۹۰، مورخ ۲۴۴ / شامل ۷۷۰ شاعر.
- ۷ - کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۲۶۵۵ (۱۲۷۴).
- ۸ - دانشگاه پنجاب لاهور (دفتر دوم ناقص و درهم، ۷۷۵ شاعر از جامی تا میرزارضی).

### يادداشت‌ها:

- ۱- براي توضيح بيشتر، نك: كتاب پرازش ادبيات فارسي درميان هندوان، تأليف سيد عبدالله، ترجمه از اردو به فارسي دكتور محمد اسلم خان، چاپ اول موقوفات محمود افشار، تهران ۱۳۷۱.
- ۲- كشن. چند اخلاص، موهن لال انيس، لچهمي نرائن شفيق، بهگوان داس هندی، منشي جسونت، لال رام، نول رای، آنندروپ برهن، شوپرشاد، منا لال، آنندرام مخلص و كليان سنگ.
- ۳- گفتني است كه كلمه «بن» واژه عربي نيست بلكه واژه زبان هندی است. و معنی آن «جنگل» است و اين كلمه نبايد اشتباه تلفظ شود و يادآوری می شود بندرابن به كسره باء موحد و سكون نام موضعی است از متهرا و داس در زبان هندی غلام راگويند يعنی غلام آن موضع.
- ۴- متهرا شهريست در شمال هند در ايالت اترپرديش امروز ۳۰ ميل طرف شمال غرب شهر آگره.
- ۵- يكي از شهزاهای مقدس هندوها در ايالت اترپرديش.
- ۶- نام قديمی شهر پتنه.
- ۷- در هندوها چهار طبقه يا فرقه بزرگ وجود دارد: برهن (اهل مذهب)، كهتری (اهل جنگ و اسلحه)، ويش يا بنيس (بازرگانان و كشاورزان و غيره - اهل حرفه) و شودر (طبقه پايين - كفاشان، سپوران و غيره).
- ۸- كلمه فقير در شبه قاره به معنی گدا استفاده می شود.
- ۹- خوشگو در مورد تخلص خودش در احوال محمد افضل سرخوش چنین می نويسد:  
«فقير راقم خوشگو اول عمر در چهارده سالگی خاک آستان مبارکش را صندل پيشانی طلب ساخته مشق شكسته بسته خود را به نظر اصلاحش می گذرانیده. روزی اين مصرع گفته بودم:

«بود غمخواری کودک پس از مرگ پدر عم را»

بر آن مصرع دستخط فرمود که این مصرع از عالم معنی است. بعد از مشق بسیار دست می دهد. از این غافل نباشی و خود پیش مصرع رسانید:

کشیدم بعد مجنون تنگ در آغوش جان غم را.

بود غمخواری کودک پس از مرگ پدر عم را

بعد از آن فقیر مصرع خود را به این وضع رسانیده:

چو مجنون داد جان من پرورش دادم به جان غم را

بود غمخواری کودک پس از مرگ پدر عم را

همان روز از کمال عنایت تخلص «خوشگو» عنایت فرمود. لفظ خوش از تخلص

خود برآورده به تو بخشیدم».

۱۰- یک نوع برگ سبز است که در شبه قاره مردم در دهان می گذارند و دهن را

قرمز می کند.

۱۱- گلچین معانی در مورد این بیت می نویسد: خان آرزو از عنادی که با شیخ

محمدعلی حزین لاهیجی داشته این بیت از غزل مشهور او را در شمار اشعار

خوشگو آورده است.

۱۲- در آمادگی فهرست آثار خوشگو از تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان

استفاده شده است.

۱۳- از مقدمه دفتر دوم سفینه خوشگو معلوم می شود که سفینه خوشگو چهار

دفتر بوده، چون بعضی جاها مؤلف در ذیل بعضی شاعران می نویسد که ذکرش در

دفتر چهارم خواهد آمد، ولی دفتر چهارم هیچ جا یافته نمی شود.

۱۴- برای تهیه فهرست نسخه های خطی دفتر دوم از تاریخ تذکره های فارسی، ج ۱ و

تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان استفاده شده است.

منابع:

- ۱- الذریعه الى تصانیف الشیعه، محمد محسن نزیل سامراء الشهیر بالشیخ آغابزرگ الطهرانی، الجزء الرابع، مجلس طهران ۱۳۶۰.
  - ۲- باغ معانی، نقش علی، گزیده شعرای قرن دوازدهم، به کوشش عابد رضا بیدار، پتنه، هند.
  - ۳- تاریخ تذکرة های فارسی، ج ۱، احمد گلچین معانی، تهران، ۱۳۴۸ شمسی.
  - ۴- تذکرة روز روشن، مولوی محمد مظفر حسین صبا، تصحیح محمد حسین رکنزاده آدمیت، چاپ اسلامیة تهران ۱۳۴۳ شمسی.
  - ۵- تذکرة مخزن الغرائب، ج ۲، شیخ احمد علی خان هاشمی سندیلوی، به اهتمام محمد باقر، لاهور ۱۹۷۰ میلادی.
  - ۶- تذکرة نویسی فارسی در هند و پاکستان، دکتر سید علی رضانقوی، چاپ علمی تهران ۱۳۴۳ شمسی.
  - ۷- حدیقه هندی، بهگوان داس هندی، عکس نسخه منحصر بفرد کتابخانه موعشی، نزد عارف نوشاهی، ص ۸۶ ب.
  - ۸- سفینه خوشگو (دفتر ثالث) بندر این داس خوشگو، به کوشش سید شاه محمد عطاء الرحمان عطا کاکوئی، پتنه، بیهار.
  - ۹- سفینه هندی، بهگوان داس هندی، سید شاه محمد عطاء الرحمان کاکوی، اداره تحقیقات عربی و فارسی، پتنه بیهار، ۱۹۵۸ م.
  - ۱۰- صحف ابراهیم، علی ابراهیم خان خلیل، گزیده شعرای قرن دوازدهم، به کوشش عابد رضا بیدار، خدابخش لائبریری، پتنه، شماره ۶، ۱۹۷۸ م.
  - ۱۱- فرهنگ سخنوران، خیامپور، ج ۱، تهران ۱۳۶۸ شمسی.
  - ۱۲- گل رعنا، لجهمی نرائن شفیق اورنگ آبادی، آفرین بزمی پریس، حیدرآباد دکن، هند.
  - ۱۳- مجمع النفاثس، سراج الدین علی خان آرزو، گزیده شعرای سده دوازدهم، به کوشش عابد رضا بیدار، خدابخش لائبریری پتنه، ۱۹۸۲ م.
  - ۱۴- مقالات الشعراء؛ قیام الدین حیرت اکبرآبادی، به تصحیح نثار احمد فاروقی، علمی مجلس، دلی، ۱۹۶۸ م.
  - ۱۵- نقد خیال، دکتر محمد فتوحی، تهران ۱۳۲۶.
- 16- Bankipur - catalogue at the Arabic and Persian manuscripts in the oriental public library at Bankipur by Moulavi Abdul Muqtadir voll: VII, calcutte, 1925.
- 17- Rieu, Charles - catalogue at the persian manuscripts in the british museum vol: , London, 1966.